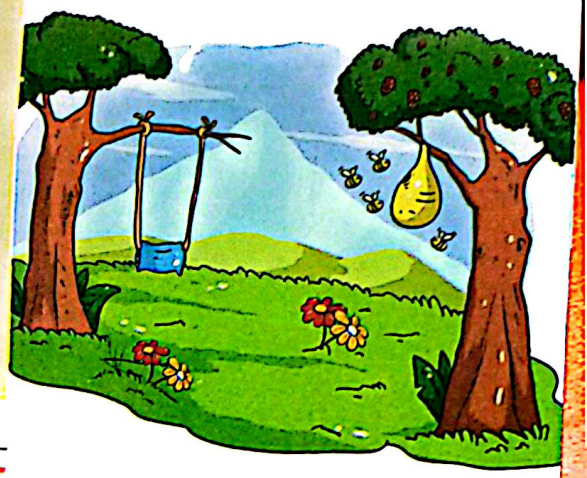
درس اول

«آفریدگار زیبایی»



آموختنی‌ها

۱ تفکر و تأمل در مورد نشانه‌های قدرت خداوند و زیبایی‌های طبیعت

۲ مهارت شکرگزاری و پاسداری از آفریده‌های خدا

۳ طبقه‌ی واژگان ذهنی با درک رابطه بین آن‌ها

۴ جمع کردن انواع کلمات

جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

جهان‌افروز: روشن‌کننده‌ی جهان

دل‌انگیز: مطلوب

غوک: قورباغه

برکه: آبگیر

ایجاد کردن: پدید آوردن

آویخت: آویزان کرد، آویزان شد

قشر: لایه، پوسته

افکند: انداخت، پرت کرد

داوری: قضاوت کردن

ارغوانی: رنگ قرمز مایل به بنفش

انبوه: زیاد

جلا دادن: شفاف و پاکیزه کردن، صاف و براق کردن

گلگون: سرخ رنگ، به رنگ گل سرخ

سراغ: پی چیزی رفتن

زینت داد: آراست، تزیین کرد

تاب نیاوردند: تحمل نکردند

رمه: گله

ضخیم: کلفت

نیلی: رنگ آبی تیره، کبود رنگ

چیره‌دست: ماهر

معرفت: شناخت خداوند

دریغ: افسوس

پذیرفت: قبول کرد، به عهده گرفت

نظاره کنند: نگاه کنند، تماشا کنند

مزارع: مزرعه‌ها

براق: بسیار درخشان

خبر داغ: خبر تازه

پراکند: پخش کرد

مهاجر: مسافر

پهنه: میدان، سطح

کردگار: آفریننده، خداوند

دمی: لحظه‌ای

جوی: بیاب، پیدا کن

نهان: پنهان، مخفی

صبحگاه: هنگام صبح

کلمات متضاد

هست ≠ نیست

آهسته ≠ سریع

روشنایی ≠ تاریکی

شروع ≠ پایان

زیبا ≠ زشت

گرم ≠ سرد

متصل ≠ جدا

نهان ≠ آشکار

بهتر ≠ بدتر

ناپدید ≠ آشکار

سفید ≠ سیاه

سنگین ≠ سبک

سؤال ≠ جواب

نیکی ≠ بدی

تیره ≠ روشن

نازک ≠ ضخیم

براق ≠ کدر

دشوار ≠ آسان

کلمات هم خانواده

صبح، صبحگاه، صبحانه

جوی، جوینده

روشن، روشنایی

بقیه، باقی، باقیمانده

هنرمند، هنرنمای، هنر

طبیعت، طبع، طبیعی

سطح، مسطح، سطوح

اثر، تأثیر، آثار

معرفت، عرفان، معروف

تصویر، تصاویر، صورت

مهاجر، هجرت، مهاجرت

مزارع، مزرعه، زراعت

نقش، نقاش، نقشه

هوشیار، هوش، باهوش

نخست، نخستین

زینت، تزیین

پهن، پهنه، پهناور

زیبا، زیبایی، زینت

منظره، نظر، ناظر

انتظار، منتظر

قشر، اقشار

تصمیم، مصمّم

درس دوم

«کوچ پرستوها»



آموختنی‌ها

۱ آشنایی با یکی از شگفتی‌های طبیعت

۲ تقویت مهارت گوش دادن و حافظه شنیداری

۳ کاربرد علائم نگارشی و تأثیر در معنی

۴ آشنایی با مفهوم ضرب‌المثل

جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

اوایل: ابتدا

جامه‌ی: لباس

عهده: وظیفه

جنب و جوش: هیجان

معتدل: آب و هوایی که نه گرم است نه سرد

دشواری: سختی، زحمت، مشکل

کمیاب: آنچه کم است، چیزی که به راحتی به دست نمی‌آید

ناچار: ناگزیر – حتماً

بیابند: پیدا کنند

کوچ: مهاجرت

پی‌درپی: پشت سر هم

پیمودن: طی کردن

نهاده است: قرار داده است

پیشین: گذشته

قرقی: نوعی پرنده شکاری

لطیف: ملایم

سپری شد: به پایان رسید

دل نشین: زیبا و قشنگ، جذاب

آسیب: زیان

آسودگی: آمادگی – آسایش

رفته رفته: کم کم

شگفتی: تعجب آور

شگفت زده: متعجب

فرصت: وقت - زمان

به سر برده‌اند: گذرانده‌اند

راه و رسم: روش

آغاز: شروع

می‌ربایند: می دزدند

راه‌یابی: پیدا کردن راه

طفلکی: کلمه‌ای برای بیان دلسوزی به کسی

اعتراض کرد: ایراد گرفت

هیجان: شور و شوق

علـوی

کلمات متضاد

اوایل ≠ اواخر

جوان ≠ پیر

معلوم ≠ مجهول

گذشته ≠ آینده

کمیاب ≠ زیاد

طولانی ≠ کوتاه

دانایی ≠ نادانی

آغاز ≠ پایان

دور ≠ نزدیک

کلمات هم خانواده

جمع، جامع، مجموع، جامعه، جماعت

معلوم، علوم، علم، عالم، معلّم، تعلیم

مشغول، شغل، شاغل

طولانی، طول، طویل

اعتدال، معتدل، متعادل

سفر، مسافر، مسافرت

کوچ پرستوها

در این جهان شگفتی‌های فراوانی وجود دارد. یکی از این شگفتی‌ها و نشانه‌های قدرت و توانایی خداوند در نحوه زندگی پرستوها است.

پرستوها همانند مردم عشایر کشور عزیزمان، در فصل سرما به مکان‌هایی که دارای آب و هوای معتدل‌تری باشد کوچ می‌کنند که بتوانند راحت‌تر زندگی کنند و غذای بیشتری بدست آورند. این پرندگان دوست داشتنی و زیبا در اوایل بهار، پس از سپری شدن زمانی دراز و پیمودن را طولانی و بدون این که اشتباه کنند دوباره به لانه پیشین خود بازمی‌گردند. اگر آسیب دیده باشند، آن‌ها را درست می‌کنند و اگر لانه‌ها خراب شده باشند از نو می‌سازند.

به راستی چه کسی آموزش ساختن لانه و قدرت راهیابی و پیمودن این راه طولانی را به پرستوها داده است؟

این همه شگفتی و زیبایی و دانایی را چه کسی جز خدای مهربان در پرستوهای کوچک نهاده است؟

آیا شگفتی‌های دیگری هم در هستی هست؟

درس سوم

«راز نشانه‌ها»



آموختنی‌ها

۱. نقش تفکر در حل مسائل و مشکلات اجتماعی
۲. کاربرد کلمات هم‌آوا
۳. آشنایی با متن علمی و ادبی
۴. اجزای مختلف شعر

جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

آواز: بانگ، نغمه
حدس: گمان
می‌لنگید: لنگان لنگان راه می‌رفت
قالب: قطعه، تکه، پاره
زاغک: زاغ کوچک
معذرت‌خواهی: عذرخواهی
حیلت‌ساز: مکّار
آسیاب: دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم، جو و دانه‌های دیگر

خوش‌خوان: خوش‌آواز
طعمه: خوردنی
جست: پرید
حاکم: قاضی
برگرفت: برداشت
روپهک: روباه کوچک
اساس: پایه، بنیان
خار: تیغ

حیات: زندگی
پرفریب: بسیار حیله‌گر
بگشود: گشود، باز کرد
اثاث: وسایل، ابزار
خوار: حقیر
قضا: سرنوشت، تقدیر

کلمات متضاد

سیاه ≠ سفید
درست ≠ غلط
خوشحال ≠ ناراحت

آشکار ≠ پنهان
راست ≠ چپ
کم‌تر ≠ بیش‌تر

کور ≠ بینا
خوب ≠ بد

کلمات هم خانواده

حاکم، حکم، محکوم
گود، گودی، گودال

معذرت، عذر، عذرخواهی
طعمه، طعام

حیلت، حیله، حیله‌گر
فریب، فریبنده، فریبکار